



سفیر عاشورای حسین (ع) در عربستان

(تحلیلی بر شهادت شیخ نمر باقر النمر)

مرتضی مطهری فرد - کارشناس ارشد فقه سیاسی



چکیده

در میان بحران‌های منطقه خاورمیانه که برخی مغرضانه و ستمگرانه آن را به نفس بحران‌زای اسلام مرتبط می‌سازند همواره حوادثی رخ می‌دهد که گاه نه تنها غیر اسلامی، بلکه غیر انسانی هستند. اعدام شیخ شهید نمر باقر النمر در پی حق طلبی‌های شرعی و قانونی وی دل هر مسلمان با هر مذهب را به درد آورد. در این نوشتار به این که شیخ نمر در امتداد خط سرخ شهادت در اسلام در زمانه‌ای که تکفیر، خفقان، خشونت، تحریف عقاید و تهاجم علیه حق به برنامه زمین‌گیر کننده دشمنان علیه مسلمین تبدیل شده، خواهیم پرداخت. وی



پیشرو در مسیری گشت که تاکنون اسلام در راه مقابله با آن هزینه‌ها و کشته‌های فراوان داده است.

واژگان کلیدی: شهید شیخ نمر، عربستان سعودی، شهادت، اسلام.

مقدمه

دولت عربستان سعودی در سده اخیر همواره به قطبی از منطقه مسلمان نشین خاورمیانه تبدیل شده است که نمی‌توان فتنه‌ای در منطقه مشاهده کرد مگر آن که دست عربستان سعودی مستقیم و یا غیرمستقیم در آن مشاهده شده است. ساده‌اندیشی است اگر عربستان را دولتی فرض کرد که مستقل از ایادی شیطان غرب به دشمنی با کل مسلمانان و بالخصوص شیعیان مبادرت



کند. این دولت فتنه‌انگیز همواره آلت دست صهیونیسم و امپریالیسم جهانی بوده است. در میان اعمال ننگین و ظالمانه این دولت اعدام شیخ نمر رنگ و بویی تأسف بارتر داشت چراکه به قلب هر مسلمان بیدار دل اعم از شیعه و سنی، ندایی القا شد که «يَا أَيُّ دَنبٍ قُتِلَتْ». (التکویر: ۹) در این نوشتار پس از اشاره مختصر به حیات این شیخ شهید و زمانه این شهید و البته شرایط خفقان در عربستان سعودی، به انگیزه‌ها و دغدغه‌های شیخ شهید نمر خواهیم پرداخت تا یاد وی در دل تاریخ و مسلمین روشن ضمیر زنده بماند.

مختصری از حیات شیخ نمر

شیخ «نمر باقر النمر» روحانی شیعه برجسته عربستانی، در سال ۱۳۷۹ قمری مصادف با ۱۹۶۸ میلادی، در شهرستان «العوامیه» از توابع استان شیعه‌نشین «القطیف» در شرق عربستان در خانواده‌ای اهل علم و دین به دنیا آمد که از آن علمایی چون «آیت‌الله شیخ محمد بن ناصر آل نمر» و خطبای حسینی چون جدش حاج «علی بن ناصر آل نمر» سر بر آورده بودند. شهید شیخ نمر تحصیلات مقدماتی خود را در همان شهر العوامیه به پایان رساند و در سال ۱۴۰۰ قمری مصادف با ۱۹۸۹ میلادی، برای آشنایی نزدیک‌تر با انقلاب اسلامی ایران و تحصیلات حوزوی ابتدا به ایران مهاجرت کرد تا در تهران در حوزه علمیه حضرت قائم^(عج) حضور پیدا کند که در همان سال توسط آیت‌الله سید محمد تقی مدرس در تهران تأسیس شده بود. شیخ شهید نمر پس از ۱۰ سال تحصیل در حوزه علمیه، عازم سوریه شد و در حوزه علمیه حضرت زینب^(س) برای ادامه تحصیلات حوزوی و علوم دینی نام نوشت و در حضور اساتید این حوزه به تحصیل پرداخت. شیخ نمر در طول مدت تحصیل علوم حوزوی خود در تهران و سوریه در محضر اساتید مختلفی حضور یافت، از جمله بحث خارج نزد آیت‌الله سید محمد تقی مدرس در تهران، بحث خارج نزد آیت‌الله سید عباس مدرس در سوریه، بحث خارج نزد آیت‌الله خاقانی در سوریه، درس عالی نزد علامه شیخ صاحب‌الصادق در تهران، درس «لمعه» نزد علامه شیخ وحید افغانی و به این ترتیب به درجات بسیار بالایی در اجتهاد دست یافت و اجازه تدریس در مراکز علوم دینی و مذهبی را پیدا کرد. شیخ نمر سال‌ها اداره حوزه علمیه حضرت قائم^(عج) در تهران و سوریه را بر عهده داشت و تلاش بسیاری برای توسعه و پیشرفت این مراکز انجام داد. پس از بازگشت به عربستان مرکز مذهبی الإمام القائم^(عج) را نیز در العوامیه تأسیس کرد که در واقع سنگ بنای مرکز اسلامی در سال ۱۴۲۲ قمری مصادف با ۲۰۰۱ میلادی بود. او پس از مجاهدت‌های فراوان در عرصه‌های علمی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و... سرانجام در روز شنبه ۲ ژانویه ۲۰۱۶ توسط رژیم سعودی و با استناد به حکم نامشروع و ضدبشری صادره از سوی دادگاه جنایی عربستان به اعدام محکوم و به فیض رفیع شهادت نائل آمد.



تحلیلی بر اوضاع خارجی عربستان

عربستان به واسطه پشتوانه نفتی و مالی و حمایت‌هایی که از جانب مهم‌ترین دولت‌های جهان دریافت می‌کند از دول خواهان قدرت در جامعه جهانی و به‌ویژه در منطقه مدیترانه است. در عربستان سعودی از دورانی طولانی تفکری ریشه دوانده که برای پیشرفت و افزایش قدرت همواره باید حمایت غربیان را همراه داشت. این عدم خودباوری از یک طرف و همچنین خباثت درونی این حکومت (که در تجربیات گوناگون از جمله فاجعه منا؛ ضد اسلام بودن این حکومت را نمایان ساخته) و البته دشمنی نامعمول این دولت با شیعیان، فضای سیاسی خاصی را برای عربستان در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی به وجود آورده است. پروفسور نوآم چامسکی نظریه‌پرداز آمریکایی و استاد بازنشسته دانشگاه MIT می‌گوید: هیچ کار خاص و اقدام عملی در قبال هیچ اقدام غیرانسانی عربستان صورت نخواهد گرفت. چامسکی در خصوص علت عدم واکنش‌ها به اقدام عربستان تأکید می‌کند دلیل این موضوع این است که عربستان یک متحد خیلی ارزشمند برای حامیانش است. (مجله بین‌المللی مهر، شماره ۱۱، ۶/۱۱/۱۳۹۴، ص ۲۰) البته تحلیل این موضوع امری دشوار نیست. منابع غنی نفتی عربستان و تعیین‌کننده بودن این کشور در معادلات اقتصادی و سیاسی جهان و کارآمدترین ابزار در تقابل با اندیشه انقلابی ایران اسلامی و روح بیداری اسلامی در منطقه و تقویت تروریسم و همچنین نقش بی‌بدیل این کشور در تحکیم جایگاه اسرائیل غاصب همگی از عوامل حمایت بدون چون و چرای دول غربی از دولت عربستان سعودی است. بدیهی است در این فضا هر نوع اقدام ضد حقوق بشری و ضد عرف بین‌الملل از سوی این کشور همواره با مداخلات غربیان همراه خواهد بود آن‌چنان که پروفسور نوآم چامسکی در خصوص واکنش آمریکا و غرب به اعدام شیخ نمر نیز گفت: «آن‌ها ممکن است تنها اعتراضاتی پوچ و توخالی نسبت به این اقدام از خود نشان دهند». (همان) از نظر منطقه‌ای، آل سعود با اتخاذ سیاست‌های فرقه‌گرایانه در جهان اسلام و در سطح منطقه غرب آسیا، به خصوص در تحولات پس از سال ۲۰۱۱، همواره انگشت اتهام مسلمانان را به سوی خود جلب کرده است. تشکیل گروه‌های افراطی جهادی موسوم به مجاهدین در دهه ۸۰ میلادی در افغانستان که در یک ائتلاف استراتژیک با بلوک غرب به سردمداری آمریکا در فضای دو قطبی جنگ سرد به وقوع پیوست، شروع نطفه‌ای نامشروع به نام تروریست‌های سلفی بود که با اندیشه جهاد تربیت یافته و شستشوی مغزی شده بودند. این تروریست‌های نسل اولی (مجاهدین)، بعدها در نسل دوم یعنی در سازمان القاعده خود را بازتولید کردند و با شروع حوادث سال ۲۰۱۱ در جهان اسلام، در نسل سوم که داعش است، به منصفه ظهور رسیدند. جنایت‌های بی‌شمار عربستان سعودی به صورت مستقیم در کشورهایی همچون بحرین از سال ۲۰۱۱ تا کنون و در مورد اخیر جنگ یمن که قریب به یکسال از آن می‌گذرد؛ و همچنین جنایت‌های تکفیری‌های مورد حمایت عربستان در کشورهای سوریه و عراق و نیجریه که با

پول‌های بادآورده، انسانیت را به سخره گرفته است، روز به روز به بحران مشروعیت آل سعود در سطح منطقه‌ای و در میان مسلمانان انجامیده است. (اعدام النمر، تشدید بحران مشروعیت و رادیکالیزه شدن جنبش‌های اجتماعی، دکتر احمد نادری، سایت فارس نیوز)

📌 تحلیلی بر اوضاع داخلی عربستان سعودی

بر خلاف آنچه در اذهان عمومی از اوضاع داخلی عربستان می‌گذرد که در آن انسجام مطلوبی بین حکام وجود دارد و مردم در رفاه کامل اقتصادی و در فضایی آکنده از آزادی‌های حقوقی و اساسی به سر می‌برند و در نهایت رضایت هستند و اعتراضی شنیده نمی‌شود و... اما فضای دولت عربستان دقیقاً بر خلاف این امور در مناطق وسیعی از کشور پهناور عربستان تحلیل می‌گردد. در چند سال اخیر کارشناسان با بررسی اوضاع داخلی عربستان تأکید می‌کنند که هر چند خاندان آل سعود تلاش می‌کنند تا بر اوضاع بحرانی داخل عربستان سرپوش بگذارند، اما واقعیت این است که با حمایت آمریکا، درگیری‌های شدیدی بین خاندان آل سعود یعنی نسل جدید به رهبری بندر بن سلطان و نسل قدیم «حاکمان فعلی» به رهبری عبدالله بن عبدالعزیز در جریان است. آمریکا که عامل اصلی این درگیری‌ها به حساب می‌آید از نسل جدید برای رسیدن به قدرت حمایت می‌کند. بحران در لایه حکومتی به موضوع اساسی به اختلافات درون جناح‌های قدرت و سیاسیون برمی‌گردد و به‌طور مشخص این مسئله پس از مرگ عبدالله پادشاه پیشین عربستان و روی کار آمدن سلمان بسیار برجسته گردیده است. مرگ پادشاه که خود از طایفه «الشمیری»ها بود، راه را بر «السدیری»ها هموار نمود تا در کودتایی تمام‌عیار، به قلع و قمع شمیری‌ها پرداخته و تمامی مسندهای قدرت را در دست گیرند و این مسئله باعث نارضایتی بخش اعظمی از نخبگان سیاسی آل سعود گردید. این مسئله تا جایی پیش رفته است که هر لحظه ممکن است در درون حکومت آل سعود کودتایی رخ دهد و تمامی معادلات قدرت در هم بریزد. (همان) به‌طور کلی فضای عربستان سعودی از بیرون، از این حیث سرشار از رضایت به نظر می‌رسد که می‌توان عربستان را کشوری دانست که در برابر کوچک‌ترین اعتراضات داخلی شدیدترین عمل‌ها را در پی می‌گیرد و صدق این موضوع را می‌توان در وضعیت اسفناک رهبران شیعه این کشور جست‌وجو کرد. در عربستان، آل سعود پدیده‌ای است که بر یک کشور پهناور حاکم شده و از دید این قبیله و آن فرهنگ قبیله‌ای و عشیره‌ای که متعلق به هزاران سال پیش بوده و هنوز هم وجود دارد این قبیله خود را مالک کشور می‌داند نه حاکم بر آن به همین دلیل نیز اسم قبیله خود را بر این کشور گذاشتند ضمن این که نگاه دولت مردان عربستان به مردم نگاه شهروندی نیست. (بررسی موضوع تبعات جنایت اعدام شیخ نمر در منطقه، سایت باشگاه خبرنگاران جوان)

این در حالی است که علاوه بر کلیت نگاه حقارت‌بار و برتری‌جویانه بر کل مردم کشور، نسبت به



شیعیان این کشور نگاهی ظالمانه حاکم است. وضعیت دادرسی‌های قضایی، فرصت‌های اجتماعی و تأمین حقوق اساسی و اولیه مردم شیعه در این کشور رقت‌بار ارزیابی می‌شود. دخالت بی‌جا و تأمین منابع مالی جنگ‌های بی‌هدف و یا با اهداف اشغالگری دول غربی در منطقه نیز بحران‌های مالی فراوانی را برای این کشور به بار آورده است. به‌طور مثال به دلیل جنگ تحمیلی عربستان بر ملت مظلوم یمن، دولت سعودی با حدود ۱۰۰ میلیارد دلار کسری بودجه مواجه شد و قیمت بنزین را به یک‌باره ۴۰ درصد افزایش داد و زمینه نارضایتی در عربستان را به وجود آورد. (همان)

یکی از دلایل اعدام شیخ نمر نیز این‌گونه قابل طرح است که حاکمان سعودی برای این که بتوانند به ارباب مردم پردازند و به آنان بفهمانند که دولت با مشیت آهنین برخورد خواهد کرد و با کسی شوخی ندارد در این مقطع آیت‌الله باقرالنمر را به شهادت رساندند. در لایه مردمی، موضوع عدالت توزیعی مسئله‌ای مهم است. شکاف‌های اجتماعی ناشی از اختلاف طبقاتی در عربستان بیداد می‌کند. ثروت‌های نفتی و درآمدهای سرشار ناشی از توریسم زیارتی در این کشور مابین اقلیتی از حاکمان و شاهزادگان تقسیم می‌گردد و فضای دو قطبی در جامعه سعودی کاملاً برجسته و قابل مشاهده است. ثروت‌ها مابین قریب به هفت هزار شاهزاده که بسته به نوع پیوندهای نسبی‌شان و دوری و نزدیکی به خاندان حاکم تقسیم شده است و مردمان عادی هر روزه فقر را به‌مثابه امری زیسته تجربه می‌کنند.

علاوه بر شکاف اجتماعی ناشی از امر اقتصادی، شکاف اجتماعی هویتی ناشی از مذهب و امر مذهبی نیز در این جامعه وجود دارد. حدود ۲۰ درصد از جامعه عربستان را شیعیان تشکیل می‌دهند. شیعیانی که در همیشه تاریخ به‌صورت اقلیتی تحت فشار بوده و به‌عنوان «مسلمانان فراموش شده» تلقی شده‌اند و این مسئله در کنار موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی محل استقرار این شیعیان (که عمدتاً در منطقه نفت‌خیز الشریقه (استان‌های الاحسا و القطیف) قرار دارد، حساسیت سیاسی مسئله را دوچندان کرده است. در واقع حاکمان وهابی سعودی که شیعیان را روافض و بدعت‌گذار خوانده و مال، جان و ناموس آنان را مباح شمرده‌اند، از دیرباز و پس از کشف نفت در مناطق شیعه‌نشین، به فکر سرکوب بیشتر شیعیان بوده‌اند و این مسئله تاکنون (به‌طور مشخص پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران) به درگیری‌ها و اعتراضات خونین در این مناطق انجامیده است. نمونه مَدُونی از نگاه آل سعود به شیعه را می‌توان در آثار شیخ وهابی و تکفیری، ناصر العمر (متولد ۱۳۷۳ ق / ۱۹۵۲ م) به‌ویژه کتاب «واقع الرافضه فی بلاد التوحید» (انتشار به سال ۱۴۱۳ ق) مشاهده کرد. او در آن کتاب، تعداد شیعیان عربستان را تنها پنج درصد جمعیت آن کشور قلمداد کرد و حکومت سعودی را به اجرای برنامه‌ای منظم جهت پاک‌سازی سعودی از لوٹ وجود شیعیان امامیه - که آنان را کافر می‌داند - فرامی‌خواند. موارد زیر از زمره پیشنهادهای اوست که از مصادیق جنایت علیه بشریت است:

- (۱) حذف شیعیان امامیه از تمامی مشاغل دولتی،
- (۲) ممنوعیت کتاب‌هایشان،
- (۳) اجبار به پذیرش مذهب رسمی عربستان،
- (۴) تبعید دسته‌جمعی شان. (دکتر کامیار صداقت، برشی کوتاه از کارنامه سپاه آل سعود بر ضد شیعیان داخلی، فارس نیوز) موج جدید این اعتراضات و سرکوب‌های خونین پس از شروع اعتراضات در نتیجه تحولات بیداری اسلامی در سال ۲۰۱۱ آغاز شده و تاکنون ادامه دارد. نکته جالب‌تر در این دو شکاف (شکاف اجتماعی و شکاف مذهبی) این است که این دو شکاف با هم‌پوشانی خود در مناطق شیعه‌نشین، از شیعیان طبقه‌ای فرودست و بسیار فقیر ساخته است، اگرچه در مناطق سنی‌نشین نیز، شکاف اجتماعی ناشی از امر اقتصادی بیداد می‌کند.

🔍 تحلیلی بر اعدام شیخ شهید نمر

علل و عوامل اعدام و شهادت شیخ نمر توسط دولت عربستان را باید در آموزه‌های اسلام و تاریخ اسلام جستجو نمود. با ترسیم فضای خفقان فکری و تنگنای نابخردانه و ظالمانه دولت سعودی علیه شیعیان در عربستان و علیه کل مسلمین در منطقه و جهان که هیچ مسلمانی با هیچ مذهبی راضی به آن نیست و مقایسه این وضعیت با دوران تاریک و شوم حکومت یزید (که تمام اسلام را تحت الشعاع قرار داده بود) تحلیل این شهادت را سهل می‌نماید. فضای فاجعه‌بار نقض حقوق بشر و مشارکت سیاسی و اجتماعی در منطقه شیعه‌نشین عربستان و سیطره قوه قهریه دولت سعودی بر تمام امور و شئون مذهبی مردم آن منطقه و ترویج فضای تکفیر و خشونت و کشتار در سطح وسیع صبر هر مسلمان روشن ضمیر را به پایان می‌رساند. ضمن آن که ایجاد تضاد طبقاتی و فقر و... در اثر سیاست‌های اقتصادی خصمانه دولت سعودی این فضای تاریک را ظلمانی‌تر می‌نماید.

اگرچه ایدئولوژی وهابیت تاکنون در راستای عادی‌سازی این فضای دو قطبی و الهی جلوه دادن آن عمل کرده و شیوخ وهابی با تأکید مکرر غیر شرعی بودن شورش بر حاکمان و خروج از بیعت حاکم (حتی حاکم جور) را بر ذهن مردم تحمیل کرده‌اند، اما شدت فقر و تشدید فضای دو قطبی به صورت تدریجی مردم را به سوی اندیشیدن برای خروج از این وضعیت سوق داده است. البته در این فضا، رسانه‌های جمعی نیز تأثیر بسزایی داشته‌اند. در اینجا تأکید می‌گردد که شیخ نمر نه سخنی از خروج علیه حاکم سر داده بود و نه در پی شورش بود، بلکه در راستای حق بشری خود اظهار مطالبه حقوق اولیه یک انسان را نموده بود که برای سعادت دنیا و آخرت خود به آن موارد نیاز دارد.

آیت‌الله باقر النمر چندین بار دستگیر شد؛ اما آخرین دستگیری وی در سال ۲۰۱۲ م، به دلیل سخنرانی‌اش جهت مطالبه عدالت بود. معظم‌له همواره بر اعتراض مدنی و آرام تأکید داشت و جالب توجه آن که چنان که در وب‌گاه رسمی او آمده است، او نه تنها استفاده از سلاح را جایز نمی‌دانست،



بلکه حتی پرتاب سنگ به سوی مأمورین امنیتی را مجاز نمی‌شمرد. مطالبات او عموماً اصلاح نظام بر مبنای عدالت؛ حق آموزش مذهبی کودکان بنا بر مذهبشان؛ اجتناب دولت از فرقه‌گرایی در جامعه و درخواست جهت بازسازی «قبرستان مطهر بقیع» بود که توسط پدر ملک سلمان، پادشاه کنونی عربستان تخریب شد. (همان) حضرت آیت‌الله امام خامنه‌ای (مدظله) ولی امر مسلمین در این باره تصریح می‌نمایند که: «این عالم مظلوم نه مردم را به حرکت مسلحانه تشویق می‌کرد و نه به صورت پنهانی اقدام به توطئه کرده بود، بلکه تنها کار او، انتقاد علنی و امر به معروف و نهی از منکر بر خاسته از تعصب و غیرت دینی بود». (۱۳/۱۰/۱۳۹۴ سخنان رهبر انقلاب درباره شهادت عالم مؤمن و مظلوم شیخ نمر) قرائن زیادی موجود است که شیخ نمر یک فتنه‌گر نبوده است که دولت کذاب سعودی این اتهام را به وی داده است. انتقاد مسالمت‌آمیز وی از وضعیت رقت‌بار شیعیان عربستان ریشه در اندیشه دینی وی دارد. آنچنان که پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

«مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ وَمَنْ سَمِعَ رَجُلًا يَتَادَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ : هر کس صبح کند در حالی که به امور مسلمانان اهتمام ندارد، از آنان نیست و آن‌که صدای مردی را بشنود که صدا می‌زند: ای مسلمانان! و پاسخ ندهد، مسلمان نیست». (حر عاملی، ج ۱۶، ص ۳۳۷)

حال، دولت سعودی باید پاسخ دهد که به اتهام عمل به دستور رسول الله (ص) وی را اعدام کرده است و یا اساساً آنان نام رسول الله (ص) را ابزاری برای تسلط بر مسلمین تلقی می‌کنند؟ اتفاق مهمی که در حکم شهادت آیت‌الله باقر النمر رخ داده است و باید جهان اسلام متوجه ابعاد آن باشد، آن است که در حکم مذکور «انتقاد از حاکم» به منزله «خروج مسلحانه بر او»؛ و به مثابه تروریسم تفسیر شده است. این همان گفتمان تکفیری است که غالباً در ادعیه مفتیان وهابی علیه شیعیان امامیه و سنیان غیر وهابی، یافت می‌شود. برخی از شیوخی که حکم اعدام مذکور را بدون بررسی واقعیات؛ ناخوانده و نادیده پذیرفتند، شایسته سرزنش‌اند؛ زیرا با پذیرش حکم مذکور، اندیشه‌ای را بنا نهاده‌اند که می‌تواند در آینده توجیه‌گر قتل هزاران مسلمان مصری و تونسسی و... باشد. (دکتر کامیار صداقت، برشی کوتاه از کارنامه سپاه آل سعود بر ضد شیعیان داخلی، فارس نیوز) حال باید سؤال شود آیا مردم مسلمان باید ظلم بپذیرند و سکوت محض نمایند؟ مگر اسلام برای مؤمنین عزت را به ارمغان نیاورده است؟

«وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ : عزت مخصوص خدا و رسول او و مؤمنان است؛ ولی منافقان نمی‌دانند!». (منافقین: ۸)

با توجه به این آیه قرآن آیا می‌توان افراد و یا دولت‌هایی را که بانگ عزت طلبی شیخ شهید نمر را به عنوان یک مسلمان بشنوند و شهادت و اعدام وی را توسط دولت سعودی را عملی پلید و ضد

دینی تلقی نکنند را؛ مسلمان دانست؟ امام خمینی^(ع) در این باره می‌فرماید: «ملت اسلام پیرو مکتبی است که برنامه آن مکتب خلاصه می‌شود در دو کلمه، لا تظلمون و لا تظلمون. ما تحت رهبری پیغمبر اسلام^(ص) این دو کلمه را می‌خواهیم اجرا کنیم، نه ظالم باشیم و نه مظلوم. آن قدر که ظالم ضرر می‌برد از ظلمش، مظلوم از ظلم ظالم آن قدر ضرر نمی‌برد. ملت ما در مقابل حق و عدالت تسلیم است، چنانچه در مقابل ظلم و جور ایستاده است». (کلمات قصار امام خمینی^(ع) - پندها و حکمت‌ها، ص ۹۴)

در واقع شهید نمر در مقابل شیطان سکوت نکرده است. دولت سعودی بارها اثبات کرده که هم منافق است و هم شیطانی. اثبات این امر در قرآن است آن چنان که رهبر فرزانه انقلاب آیت‌الله امام خامنه‌ای می‌فرماید: «منافقان و کافردلان این را (که عزت فقط برای خداست) درک نمی‌کنند؛ نمی‌فهمند که عزت کجاست، مرکز عزت واقعی کجاست. در سوره «نساء»، درباره کسانی که خود را متصل به مراکز قدرت‌های شیطانی (همچون آمریکا و رژیم صهیونیستی) می‌کنند، برای این که حیثیتی به دست بیاورند، قدرتی به دست بیاورند، می‌فرماید:

«الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَلِيَّتُهُمْ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةُ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا: همان‌ها که کافران را به جای مؤمنان، دوست خود انتخاب می‌کنند. آیا عزت و آبرو نزد آنان می‌جویند؟ با این که همه عزت‌ها از آن خداست؟!» (نساء: ۱۳۹)

آیا دنبال عزتند این کسانی که به رقبای خدا، به دشمنان خدا، به قدرت‌های مادی پناه می‌برند؟ عزت در نزد خداست. در سوره مبارکه «شعراء»، گزارشی از مجموعه چالش‌های پیامبران بزرگ را مطرح می‌فرماید - درباره حضرت نوح، حضرت ابراهیم، حضرت هود، حضرت صالح، حضرت شعیب، حضرت موسی - مفصل درباره چالش‌های این پیامبران بزرگ بحث می‌کند و گزارش الهی و وحی را به گوش مردم می‌رساند. در هر مقطعی که می‌خواهد غلبه جبهه نبوت را بر جبهه کفر بیان بفرماید، می‌فرماید: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ» (شعراء: ۸-۹) یعنی با این که طرف مقابل اکثریت داشتند، قدرت دست آن‌ها بود، پول دست آن‌ها بود، سلاح دست آن‌ها بود، اما جبهه توحید بر آن‌ها پیروز شد». (بیانات امام خامنه‌ای در مراسم سالگرد رحلت امام خمینی (ره) ۱۳۹۱/۳/۱۴)

حال اعتراض و تذکر به این که دولت عربستان سعودی قبل از پذیرفتن ولایت سردمداران شیطانی غرب با شیعیان کشور خود مسالمت داشته باشد، جرم است و مجازات این جرم اعدام است؟ امام حسین^(ع) فرمود: «لَيْسَ شَأْنِي شَأْنُ مَنْ يَخَافُ الْمَوْتَ، مَا أَهْوَنَ الْمَوْتِ عَلَى سَبِيلِ نَيْلِ الْعِزَّةِ وَإِخْيَاءِ الْحَقِّ؛ لَيْسَ الْمَوْتُ فِي سَبِيلِ الْعِزَّةِ إِلَّا حَيَاةٌ خَالِدَةٌ، وَلَيْسَتِ الْحَيَاةُ مَعَ الدُّلِّ إِلَّا الْمَوْتُ الَّذِي لَا حَيَاةَ مَعَهُ. أَقْبِلِ الْمَوْتَ تَخَوُّفِي؟ هَيْهَاتَ، طَاشَ سَهْمُكَ، وَخَابَ ظَنُّكَ. لَسْتُ أَخَافُ الْمَوْتَ، إِنَّ نَفْسِي لَأَكْبَرُ مِنْ ذَلِكَ، وَ هِمَّتِي لَأَعْلَى مِنْ أَنْ أُحْمِلَ الصِّيمَرَ خَوْفًا مِنَ الْمَوْتِ، وَ هَلْ تَقْدِرُونَ عَلَى أَكْثَرِ مَنْ قُتِلَ؟ مَرْحَبًا بِالْقَتْلِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَلَكِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَى هَدْمِ مَجْدِي وَمَحْوِ عِزِّي وَ شَرَفِي، فَإِذَا لَا أُبَالِي بِالْقَتْلِ: شَأْنُ مَنْ مَانَدَ كَسَى كَهْ مِنْ مَرَكٍ مِي تَرَسَدَ نَيْسَت، چَه آسان است کشته شدن در راه عزت و زنده کردن حق؛ مرگ در راه عزت، جز زندگی جاوید



نیست و زندگی با ذلت جز مرگ بدون زندگی نمی‌باشد. آیا شما بیش از کشتنم چه توانید بکنید؟! آفرین بر مرگ در راه خدا ولی بدانید شما نمی‌توانید عظمت مرا شکسته، عزت و شرف مرا نابود کنید، پس در این صورت چه باک از کشته شدن» (موسوعه کلمات الامام الحسین^(ع)، ص ۳۶۰)

هیچ مذهبی از مسلمین انکار این حقایق را نمی‌کند و این بدان معناست که در اسلام سران دولت سعودی تردید جدی وجود دارد.

مقوله‌ای دیگر است که بر اساس آن انتقادات شیخ نمر را نه تنها فتنه‌گری نمی‌توان خواند بلکه باید آن را عین متن دین اسلام خواند. شهید مطهری می‌گوید: «امر به معروف و نهی از منکر، یگانه اصلی است که ضامن بقای اسلام است. به اصطلاح علت مبقیه است. اصلاً اگر این اصل نباشد، اسلامی نیست ... حسین بن علی^(ع) در راه امر به معروف و نهی از منکر یعنی در راه اساسی‌ترین اصلی که ضامن بقای اجتماع اسلامی است کشته شد، در راه آن اصلی که اگر نباشد، دنبالش متلاشی شدن، تفرق، تفکک و از میان رفتن و گندیدن پیکر اجتماع است» (مطهری، ج ۱۷، ص ۲۳۵)

عدم سکوت شیخ نمر را باید از زبان مسلمانان سلیم‌النفوس جویا شد و نه از دستگاه کذاب و مستبد سعودی. در کلام شهید مطهری هست که «هر مصلحی که موفق شود این چهار اصل را عملی سازد، افکار و اندیشه‌ها را متوجه اسلام راستین سازد و بدعت‌ها و خرافه‌ها را از مغزها بیرون براند، به زندگی عمومی از نظر تغذیه و مسکن و بهداشت و آموزش و پرورش سامان ببخشد، روابط انسانی انسان‌ها را بر اساس برابری و برادری و احساس اخوت و همسانی برقرار سازد و ساخت جامعه را از نظر نظامات و مقررات حاکم طبق الگوی خدایی اسلام قرار دهد به حداکثر موفقیت نائل آمده است» (مطهری، نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، ص ۷۰)

✦ شیخ نمر و پایانی بی‌پایان

باید دانست که خون امثال شیخ نمر بر پیکره ایادی ظلم و شیطان سنگینی خواهد کرد؛ چراکه این جریانی است که فراتر از اشخاص، زمان‌ها و مکان‌هاست و با شهادت مسیر حق گشاده‌تر خواهد شد. حقیقت جاوید «کربلا» و «عاشورا» برای همه زمان‌ها و همه مکان‌ها رخ می‌نماید. این شأن، به تمام انسان‌ها مربوط می‌شود، باید خویش را بیابند و تکلیف خود را روشن کنند. امام حسین^(ع) می‌فرماید: «مِثْلِي لَا يَبِيعُ مِثْلَهُ: همچون منی با چون او (یزید) بیعت نمی‌کند» (بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۵)

این جمله یعنی پیام عاشورا، ابدی است و مبارزه برای حق تا قیام قیامت ادامه دارد. مشهور هست که «كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَا وَ كُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَاءُ». به تعبیری دیگر «جبهه کربلا گرم و درگیری عاشورا دایر است». (صحیفه امام) اصحاب امام حسین^(ع) در همه زمان‌ها حاضر خواهند شد و فریاد حق طلبی سر خواهند داد. در تاریخ هست که روزی ابواسامه (از اصحاب امام صادق^(ع)) که در مجلسی حاضر بود، گفت: چگونه سوره الفجر (در تأویل و تفسیر) مخصوص حسین^(ع) گردید؟ امام صادق^(ع)

فرمودند: «أَلَا تَسْمَعُ... إِلَى قَوْلِهِ تَعَالَى: يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ... إِنَّمَا يَعْزِي الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَهُوَ ذُو النَّفْسِ الْمُطْمَئِنَّةِ الرَّاضِيهِ الْمَرْضِيهِ وَأَصْحَابُهُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هُمُ الرَّاظُونَ عَنِ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُوَ رَاضٍ عَنْهُمْ: أَيَا إِنْ سَخِنَ خَدَاوَنَدُ مَتَعَالَ رَا نَمِي شَنُوِي كِه مِي كُوِيْد: «يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ» هِمَانَا حَسِيْن رَا قَصْد مِي كَنْد كِه دَارَاِي نَفْسِ مُطْمَئِنَّة وَ رَا ضِي اسْت وَ اصْحَاب وَ پِيْرَوَان اُو اَز آلِ مُحَمَّدِ دَر رُوْز قِيَامَتِ اَز خَدَاوَنَدِ رَا ضِيْنَد وَ خَدَاوَنَدِ نِيْز اَز اَنَانِ رَا ضِي اسْت». (بحرانی، ج ۴، ص ۴۶۱ و مجلسی، ج ۲۴، ص ۹۳ و ج ۴۴، ص ۲۱۸)

آنچه صبر بر شهادت شیخ نمر و دیگر ستم‌های ظالمان بر مسلمین را میسر می‌نماید، اقتدا به سیدالشهدا امام حسین (ع) است. زیرا دیدن و شنیدن درباره آنچه از رفتارهایشان در مصیبت‌ها اتخاذ می‌شده تسلی بخش دل‌هاست. این که از اتفاقات سهمگین و تزلزل‌آفرین حادثه عاشورا در چهره امام حسین (ع)، ذره‌ای سستی و ضعف و یا بی‌صبری و جزع و شکوه دیده نشد و در عوض در این ماجرا از ابتدا تا انتها میزان تسلیم و صبر آن حضرت که ناشی از اطمینان و آرامش نفس بود، افزون‌تر می‌شد، تسلی بخش است؛ و این جمله آخر آن حضرت در لحظات پایانی عمر شریفش شنیدنی و زیباست: «صَبْرًا عَلَى قَضَائِكَ يَا رَبِّ لَا إِلَهَ سِوَاكَ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، مَا لِي رَبِّ سِوَاكَ، وَ لَا مَعْبُودٌ غَيْرُكَ، صَبْرًا عَلَى حُكْمِكَ: بِرِ قَضَايِ تُو شَكِيَا هِسْتَم! پُروردگارا! مِعْبُودِي جِز تُو نِيْسْت، اِي پِنَاهِ بِي پِنَاهَان! مَن غَيْرِ اَز تُو پُروردگَار وَ مِعْبُودِي نِدَارَم، بِرِ خَوَاسْتِ وَ ارَادِه تُو شَكِيَا هِسْتَم». (شریفی، ص ۵۱۰)

رهبر معظم انقلاب حضرت امام خامنه‌ای نیز فرموده‌اند که: «یقیناً شهید شیخ نمر مورد تفضل خداوند خواهد بود و بدون شک دست انتقام الهی گریبان ظالمانی را که به جان او تعدی کردند خواهد گرفت و این همان چیزی است که مایه تسلی است». (۱۳۹۴/۱۰/۱۳ سخنان رهبر انقلاب درباره شهادت عالم مؤمن و مظلوم شیخ نمر)

در قرآن کریم نیز شهید دارای مقامی است که دیگران بر او باید غبطه بخورند. شهادت فیضی است که هر کس را لایق نیل به آن نباشد. «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ: وَ بِه اَن هَا كِه دَر رَا هِ خَدَا كَشْتِه مِي شُونَد، مَرْدِه نَكُوِيْد! بَلَكِه اَنَانِ زَنْدِه اَنْد، وَ لِي شَمَا نَمِي فَهْمِيْد». (بقره: ۱۵۴)

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ: هِرْكَزِ كَمَانِ مَبْرِ كَسَانِي كِه دَر رَا هِ خَدَا كَشْتِه شَدَنْد، مَرْدِگَانْد! بَلَكِه اَنَانِ زَنْدِه اَنْد وَ نَزْدِ پُروردگَارِشَانِ رُوْزي دَا دِه مِي شُونَد». (آل عمران: ۱۶۹)

«فَرَجِينِ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ: اَن هَا بِه خَا طَرِ نَعْمَتِ هَايِ فَرَاوَانِي كِه خَدَاوَنَدِ اَز فَضْلِ خُوْدِ بِه اِيْشَانِ بَخْشِيْدِه اسْت، خُوْشْحَالِ اَنْد؛ وَ بِه خَا طَرِ كَسَانِي كِه هِنُوْزِ بِه اَن هَا مَلْحَقِ نَشْدِه اَنْد مَجَاهِدَانِ وَ شَهِيْدَانِ اَيْنْدِه خُوْشُوْقْتِ اَنْد؛ (زِيْرَا مَقَامَاتِ بِر جِسْتِه اَن هَا رَا دَر اَن جِهَانِ مِي پِيْنْد؛ وَ مِي دَا نَنْد) كِه نِه تَرْسِي بِر اَن هَا سْت وَ نِه غَمِي خَوَا هَنْد دَا شْت.» (آل عمران: ۱۷۰)

«این‌ها آیات قرآن است؛ این‌ها صریح در یک معارفی است که از این معارف هیچ مسلمانی



نمی‌تواند چشم بپوشد. هر کسی به اسلام و به قرآن اعتقاد دارد، این معارف بایستی جلوی چشمش باشد». (بیانات رهبری در دیدار اعضای ستادهای «کنگره شهدای امور تربیتی»، «کنگره شهدای دانشجوی» و «کنگره شهدای هنرمند» ۱۳۹۳/۱۱/۲۷)

🔹 نامه شیخ شهید به مادرش پیش از شهادت

به مادر صبورم ام جعفر؛ در هر حال خداوند را سپاس می‌گوییم. مادرم خداوند را به خاطر هر چه که در تقدیر ما نهاده است شکرگزار باش. تقدیر الهی بهتر از تقدیر ماست و انتخابش بهتر از انتخاب ماست. ما چیزی را انتخاب می‌کنیم اما همواره خدا بهترین را برای ما برمی‌گزیند. ما چیزی را می‌خواهیم و به خدا می‌گوییم که آنچه که خیر است برای ما پیش بیاور. خداوند پاک و منزّه است و هیچ کسی در این دنیا جز با مشیت الهی نمی‌تواند حرکتی بکند، هیچ چیزی از چشم و اراده خدا پوشیده نیست. مادر همین کافی است؛ مادامی که امور مقابل چشم و تحت اراده خدا باشد همین کافی است. همین برای ما کافی است. خداوند تو را حفظ کند و در پناه خود نگهدارد و خداوند همگان را حفظ کند. (سایت جام آنلاین)

🔹 جمع بندی

مسلمین جهان باید در قبال این گونه حوادث و وظایف خود را به درستی تشخیص و به آن عمل نمایند. اعدام‌های این چنین بی‌اساس، خشونت‌طلبی‌های مسمّم‌کننده، گفتمان افراط‌طلبانه تکفیر، تروریسم مذهبی و بی‌رحمانه، استبداد حکام کشورهای اسلامی، اختلاف‌افکنی و زوال وحدت مسلمین برای کل جهان اسلام خطر آفرین است. شهید شیخ نمر باید سرمشق واقع شود تا مسلمین بدانند که بی‌تفاوتی و بی‌بصیرتی می‌تواند هزینه‌های گزاف برای دین و هستی مسلمین تحمیل نماید و برای حفظ بیضه اسلام جان‌ها باید فدا نمود. دولت عربستان سعودی باید برای دول عربی مسلمان عبرتی باشد که افراط‌گرایی، رجوع به غریبان دشمن‌پیشه و دوری از مبانی اسلام ناب پایه‌های حکومتشان را سست و متزلزل خواهد نمود و آنان را در جهان آخرت سخت گرفتار عذاب لایزال الهی خواهد نمود. همان‌طور که امام خامنه‌ای فرمودند: «بدون تردید خون به ناحق ریخته این شهید مظلوم به سرعت اثر خواهد کرد و دست انتقام الهی گریبان سیاستمداران سعودی را خواهد گرفت». (۱۳۹۴/۱۱/۱۳ سخنان رهبر انقلاب درباره شهادت عالم مؤمن و مظلوم شیخ نمر)

همچنین مسلمانان عالم اگر خواهان عزت دین و عزت مسلمانان عالم هستند و کراهت دارند که دوباره از این گونه حوادث مانند اعدام شهید مظلوم نمر را مشاهده کنند باید اولاً نگذارند وحدتشان خدشه‌دار شوند و ثانیاً یاد و خاطره این شهید و تمام آنان که مانند شیخ نمر قربانی ستم‌ها و سیاست‌های اشتباه شیاطین مسلمان‌نما شده‌اند را زنده نگه دارند.